

مهارت‌های زندگی در مخزن‌الاسرار نظامی

دکتر عالیه یوسف فام^۱

نفسه‌نیازی^۲

چکیده

در این نوشتار بر آنیم تا مخزن‌الاسرار نظامی را بر اساس رویکرد مهارت‌های زندگی واکاوی نماییم. مهارت‌های زندگی، برای افزایش توانایی‌های روانی-اجتماعی افراد آموزش داده می‌شوند و افراد را قادر می‌سازند به طور موثر با مقتضیات و کشمکش‌های زندگی روبه‌رو شوند. هدف از آموزش مهارت‌های زندگی افزایش توانمندی‌های روانی-اجتماعی و در نهایت پیشگیری از رفتارهای آسیب‌زننده به بهداشت، سلامت و ارتقای سطح سلامت روان افراد است. نتایج این پژوهش، بیانگر آن است که نظامی شاعری دور از دربار بوده و به همین دلیل، خود را به مردم عادی نزدیک‌تر کرده‌است و مخاطب او می‌تواند انسان، در هر دوره‌ای از تاریخ باشد. به‌علاوه، او به هنگام نظم مخزن‌الاسرار، در حال ریاضت‌کشی و چله‌نشینی بوده و به همین دلیل، به مهارت خودآگاهی توجه فراوان کرده‌است. نظامی بسیار به شناخت خویشتن و نفس، شناخت خداوند، شناخت دنیا و آخرت اهتمام می‌ورزد. سپس به مهارت خودانگیزی و خویشتن‌داری، ریاضت و مبارزه با نفس پرداخته‌است و راه سعادت دنیوی و اخروی را در خویشتن‌داری و تزکیه نفس می‌داند. همچنین او تأکید بر برقراری روابط اجتماعی با دیگران دارد و راه‌کارهایی در روابط اجتماعی، دوست‌یابی، معاشرت و هم‌نشینی به مردم ارائه می‌دهد. اجتماع زمان او، دوران ظلم و ستم است و او با شعر خود علیه ظلم می‌جنگد و انسان را به تفکر نقادانه دعوت می‌کند، به دوراندیشی تأکید دارد و بر عقل‌گرایی اصرار می‌ورزد.

کلمات کلیدی: مهارت‌های زندگی، خودآگاهی، معاشرت، تفکر نقادانه، مخزن‌الاسرار، نظامی گنجوی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۰۲

^۱ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، پست الکترونیکی:

fatemeh.mosavi2zadeh@gmail.com

درآمد

مجموعه مهارت‌های زندگی رویکردی متمرکز بر فرد و هدفش کمک به افراد جهت رشد مهارت‌های خودکمک‌دهی است. مجموعه مهارت‌های زندگی فرض می‌کند که همه افراد توانایی‌ها و ضعف‌هایی در مهارت‌های زندگی دارند. احساسات، تفکر و اعمال ناموثر به ناتوانی و ضعف در مهارت‌های زندگی مربوط می‌شود. "سازمان جهانی بهداشت"، مهارت‌های زندگی را چنین تعریف کرده‌است: «توانایی انجام رفتار سازگارانه و مثبت به‌گونه‌ای که فرد بتواند با چالش‌ها و ضروریات زندگی روزمره کنار بیاید.» (سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۷۳: ۱۳) پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد که خودآگاهی، عزت نفس و اعتمادبه‌نفس، شاخص‌های اساسی توانمندی‌ها و ضعف‌های هر انسانی است.

آموزش مهارت‌های زندگی با ارتقای بهداشت روانی و آمادگی رفتاری، فرد را به رفتاری سالم و اجتماعی مجهز می‌کند. «مفهوم آمادگی رفتاری به سه عامل بستگی دارد: ۱. توانایی‌های روانی- اجتماعی فرد که با یادگیری و تمرین مهارت‌های زندگی ایجاد می‌شود. ۲. احساس کفایت و کارآمدی فرد در زمینه مهارت‌های زندگی ۳. قصد و تمایل فرد به اجرای مهارت‌ها.» (ترور، ۱۳۷۱: ۲۸)

از آنجا که عوامل فرهنگی و اجتماعی تعیین‌کننده ماهیت دقیق برنامه مهارت‌های زندگی هستند از این‌رو آموزش‌ها ممکن است از نظر اهداف و محتوای آموزشی در کشورها و نواحی مختلف متفاوت باشد و به‌نظر می‌رسد که یک برنامه جامع بین‌فرهنگی باشد. «هنگام ایجاد و کاربرد مهارت‌های زندگی باید هدف‌ها و آموزش‌های برنامه را با سن و جنس و فرهنگ شرکت‌کنندگان منطبق ساخت؛ یعنی نوع و تعریف مهارت‌های زندگی با توجه به سن، جنس و ویژگی‌های فردی افراد متفاوت باشد.» (طارمیان ۱۳۸۴: ۱۵)

شاعران نیز همانند سایر انسان‌ها، دست پروده اجتماعی هستند که در آن زندگی می‌کنند و اندیشه و رفتار و آثار آنان، کم و بیش بازتابی از ویژگی‌های فرهنگی و ذهن جمعی مردم جامعه است. محیط اجتماعی و سیاسی، شرایط جوئی، جغرافیایی و اقلیمی، زندگی خانوادگی، سطح فرهنگی خانواده و اجتماع و هزارویک عامل آشکار و پنهان دیگر، دانسته یا ندانسته، خواسته یا ناخواسته بر ذهن و زبان شاعر اثرگذار است. هر چند بررسی جزئیات زندگی کسی که نهصد سال پیش می‌زیسته، کار چندان ساده‌ای نیست، اما تلاش بر آن است تا با بررسی تذکره‌ها و شرح حال‌ها و سرنخ‌هایی که خود نظامی در شعرش به دست داده، لایه ظاهری شخصیت او یا به عبارتی شخصیت تاریخی و اجتماعی او را بررسی کنیم و با واکاوی مهارت‌های زندگی که در مخزن‌الاسرار ارائه داده، راهی بیابیم به کشف این مهارت‌های زندگی و بدانیم شاعران گذشته،

علاوه بر شاعر بودن، حکیم اخلاقی و اجتماعی نیز بوده‌اند و در میان داستان‌ها و اشعارشان این نکته‌های اخلاقی و درس‌های زندگی را به ما گوشزد کرده‌اند.

این تحقیق می‌تواند پیوندی بین روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ادبیات باشد و نقش همیشگی ادبیات را بیش از پیش در زندگی فردی و اجتماعی افراد نشان دهد. همچنین این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر مهارت‌های زندگی به واکاوی و تحلیل مخزن‌الاسرار نظامی پرداخته‌است. پرسش‌های مطرح در این پژوهش به شرح زیر است:

۱. در مخزن‌الاسرار نظامی چه مهارت‌هایی برای سعادت زندگی انسان مطرح شده‌است و چرا نظامی چنین تمایلاتی را در این اثر خود پرورانده‌است؟

۲. بسامد کدام مهارت در مخزن‌الاسرار نظامی بیشتر بوده‌است؟ علت این توجه چیست؟ دلایل شخصی یا اجتماعی این امر کدام‌اند؟

۳. آیا مخاطبان نظامی افرادی خاص، در دوره‌ای خاص بوده‌اند؟

۱- روش پژوهش

در این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی ابتدا با مطالعه مخزن‌الاسرار، به بررسی مهارت‌های دینی، فردی، اجتماعی و مقابله‌ای در این اثر پرداخته شده‌است. سپس دلایل شخصی و اجتماعی رویکرد نظامی به چنین تمایلاتی مورد توجه قرار گرفته؛ به زندگی و دوره تاریخی زندگی نظامی توجه شده؛ مخاطب او مورد مطالعه قرار گرفته، و در پایان، با ارائه نمودار، شمایی کلی از این مسائل عرضه شده‌است.

۲- پیشینه پژوهش

با اینکه مدت زمان تقریباً زیادی از ارائه نظریه مهارت‌های زندگی گذشته، اما پژوهش‌های اندکی در این زمینه صورت گرفته‌است. بر طبق بررسی‌های انجام شده، تاکنون هیچ‌گونه پژوهشی به صورت مقاله یا کتاب یا پایان‌نامه، در موضوع مهارت‌های زندگی در آثار نظامی، انجام نشده‌است و این پژوهش، نخستین تحقیق در این موضوع است. با این همه، در سه پایان‌نامه زیر، براساس ده مهارت زندگی تدوین شده از سوی سازمان بهزیستی کشور، چنین رویکردی اتخاذ شده‌است:

حق‌پناه، رضوان، آداب و مهارت‌های زندگی در بوستان و گلستان سعدی، ۱۳۹۰، پایان

نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.

ذوالفقاری، مریم، آداب و مهارت‌های زندگی در شاهنامه فردوسی، ۱۳۸۸، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.

ساجد، غزاله، آداب و مهارت‌های زندگی در کیمیای سعادت غزالی، ۱۳۹۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.

۳- مبانی نظری

آموزش «مهارت‌های زندگی» در سال ۱۹۷۹ و با اقدامات دکتر "گیلبرت بوتوین"^۱ آغاز گردید. وی در این سال یک مجموعه آموزش مهارت‌های زندگی برای دانش‌آموزان کلاس هفتم تا نهم تدوین نمود که با استقبال فراوان متخصصان بهداشت و روان مواجه گردید. «به دنبال این اقدام مقدماتی، از سال ۱۹۹۳ به بعد «سازمان جهانی بهداشت» با هماهنگی "یونیسف"، برنامه آموزش مهارت‌های زندگی را به عنوان یک طرح جامع پیشگیری اولیه و ارتقای سطح بهداشت روانی کودکان و نوجوانان معرفی نمود. این برنامه در کشورهای مختلف جهان تجربه شد و گزارش‌های امیدبخشی از کارایی آن منتشر گردید.» (محمدخانی، ۱۳۸۳: ۱۷)

در باب مهارت‌های زندگی، تئوری‌های مختلفی از سوی اندیشمندان مطرح شده‌است که در ادامه به شرح آن‌ها می‌پردازیم:

در تئوری "یادگیری شناختی نوین" که مبتنی بر مدل عملکرد سالم روانی انسان است، سه اصل مطرح می‌شود: اصل اول این است که کودک زندگی خود را با یک توانایی ذاتی جهت عملکرد روانی سالم آغاز می‌کند. «این توانایی ذاتی شامل تمایل به یادگیری و انگیزش جهت رشد و شکوفایی توانایی‌های بالقوه در جهت کسب زندگی اجتماعی سالم است. اصل دوم این است که بزهکاری و دیگر رفتارهای انحرافی از طریق یادگیری حاصل می‌شوند که در این میان نقش خانواده بسیار مهم است. اصل سوم آن است که هر توانایی ذاتی کودک برای سلامتی و عملکرد روانی تکامل یافته می‌تواند در جهت رفتارهای بزهکارانه و خودتخریبی برانگیخته شود.» (ترور، ۱۳۷۱: ۳۰)

آلبرت بندورا^۲ معرف نظریه یادگیری اجتماعی است. به اعتقاد وی انسان موجودی اجتماعی است و رفتار او باید در پرتو روابط اجتماعی بررسی شود. «انسان دارای ظرفیت‌های شناختی

^۱ Gilbert Botvin

^۲ Albert Bandura

وسیع است و می‌تواند درباره ارتباط میان رفتار و پیامدهای آن، اندیشه کرده و آن‌ها را پیش بینی و ارزیابی کند.» (محمدخانی، ۱۳۸۳: ۱۲)

مهارت‌های زندگی، از طریق آموزش و تجربه قابل استفاده و فرآیندی است که موجب ثبات در شخصیت و عمق در هویت گردیده، توسعه فرهنگ فردی را سامان می‌بخشد و موجب رضایت و مقبولیت و موفقیت در زندگی می‌شود. این مهارت‌ها را می‌توان به لحاظ سطح تخصصی به چهار دسته تقسیم نمود:

۱. مهارت‌های دینی (خداشناسی)

۲. مهارت‌های فردی (خودآگاهی، حل مساله، تصمیم‌گیری و تفکر نقادانه)

۳. مهارت‌های اجتماعی (همدلی، ارتباط مؤثر با دیگران)

۴. مهارت‌های مقابله‌ای (خویشتن‌داری، مدیریت کنترل احساسات استرس و خشم و تاب‌آوری) (فتی و موتابی، ۱۳۶۵: ۸۴)

۱-۳. مهارت‌های دینی

تکامل معنوی، تقرب به خدا و حیات وصف‌ناپذیر و جاویدان اخروی، عالی‌ترین هدف انسان در حیات خویش است. آنچه امروزه به مهارت‌های زندگی مشهور است حاصل کار پژوهشگران عصر حاضر نیست؛ بلکه بسیاری از این مهارت‌ها در لابه‌لای تعالیم الهی و به‌خصوص در قرآن کریم و احادیث معصومین بیان شده‌است.

« پیامبر خدا در کنار تعالیم قدسی و ملکوتی، مهارت‌های زندگی را به پیروان خود و حتی کسانی همانند امام علی (ع)، ابوذر غفاری و دیگران می‌آموزند؛ امام علی (ع) نیز مهارت‌های زندگی را به یاران خود می‌آموختند. » (آقاجانی، ۱۳۸۵: ۵۴)

۲-۳. مهارت‌های فردی

مهارت‌های فردی، مجموعه عواملی هستند که در جهت ارتقای انسان عمل می‌کنند و شامل موارد زیر است: خودآگاهی، حل مساله، تصمیم‌گیری و تفکر نقادانه.

۱-۲-۳. مهارت خودآگاهی

"خودآگاهی" فرایند سالم هویت‌یابی را برای انسان سهل‌تر می‌نماید، به زندگی او آرامش می‌دهد و احساس رضایت‌مندی‌اش را رونق می‌بخشد.

« احساس نارضایتی از خود، نشانه‌ای است که به فرد هشدار می‌دهد که نیازمند تغییر است.

اجزای مهارت خودآگاهی شامل ۱. خودارزیابی ۲. شناسایی نقاط قوت و قابل بهبود فردی ۳.

تفکر مثبت ۴. ایجاد خودنگاره و تصویر است.» (آقاجانی، ۱۳۸۵: ۵۳)

۲-۲-۳. مهارت حل مسئله

مهارتی است که شما می‌توانید در هنگام برنامه‌ریزی برای مقابله با مشکلات زندگی از آن استفاده کنید. حل مسئله یک مهارت مقابله‌ای عملی است که از نظر روانی نیز مفید است. استفاده از روش‌های حل مسئله موجب افزایش اعتمادبه‌نفس می‌شود؛ وقتی بدانید که از مهارت‌های خوبی برای حل مسئله برخوردارید، احساس توانمندی و تسلط شما تقویت می‌شود. «فرایند حل مسئله شامل پنج گام است: ۱. ادراک خویشتن ۲. تعریف مسئله ۳. تهیه فهرستی از راه‌حل‌های مختلف ۴. تصمیم‌گیری ۵. امتحان کردن راه‌حل انتخابی.» (فتی و موتابی، ۱۳۸۵: ۵۶)

۳-۲-۳. مهارت تصمیم‌گیری مؤثر

"تصمیم‌گیری مؤثر" فرایند بررسی، پیش‌بینی و ارزیابی نتایج از میان راه‌حل‌های موجود و انتخاب نهایی یک راه‌حل برای رسیدن به هدف مورد نظر است. «فرایند قضاوت یا انتخاب میان دو یا چند راه مختلف به شکل‌های مختلف (از حل یک مسئله تا انجام مجموعه‌ای از اقدام‌های مختلف) است که در شرایط مختلف انجام می‌شود.» (غیاث فخری، ۱۳۸۹: ۴۴)

۳-۲-۴. مهارت تفکر نقادانه

تعریف‌های مختلف و متفاوتی برای «تفکر نقادانه» ارائه می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: «۱. تفکر نقادانه یعنی فرد چه تصمیمی می‌گیرد و چه کاری می‌خواهد انجام دهد و چرا؟ ۲. تفکر نقادانه یعنی آزمودن دقیق تفکر خود و دیگران ۳. تفکر نقادانه یعنی تفکر درباره تفکر ۴. تفکر نقادانه یعنی تفکری که در جستجوی شواهد، دلایل و مدارک برای یک قضاوت و نتیجه‌گیری است.» (دهستانی، ۱۳۸۴: ۳۴)

۳-۳. مهارت‌های اجتماعی

مهارت‌های اجتماعی مجموعه مهارت‌هایی هستند که در جهت ارتقای جامعه به کار می‌روند و شامل مهارت‌های همدلی و ارتباط مؤثر با دیگران است.

«ارتباط، عبارت است از فرایند انتقال و تبادل افکار، اندیشه‌ها، احساسات و عقاید افراد با استفاده از علائم و نمادهای مناسب به منظور تأثیر، کنترل و هدایت یکدیگر. با برقراری ارتباط مؤثر احساسات، عقاید، افکار و اندیشه‌ها بین افراد منتقل می‌شود و رشد فرد و جامعه تضمین می‌گردد.» (آقازاده و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۴)

۳-۳-۱. مهارت همدلی

تعریف "همدلی"، تمایل پاسخ‌دهی به حالت عاطفی دیگران را با حالت عاطفی مشابه، "همدلی" گویند.

« یعنی اینکه فرد بتواند مسائل دیگران را حتی زمانی که در آن شرایط قرار ندارد، درک کند و برای نظریات و احساسات آن‌ها ارزش و احترام قائل شود؛ همچنین بتواند انسان‌های دیگر را با تفاوت‌های فراوان بپذیرد و به آن‌ها احترام بگذارد. » (دهستانی، ۱۳۹۰: ۴۵)

۳-۴. مهارت‌های مقابله‌ای

مهارت‌های مقابله‌ای شامل خویشتن‌داری، مدیریت کنترل احساسات، استرس و خشم و تاب-آوری است.

۱-۳-۴. خودانگیزی و خویشتن‌داری

انگیزه، نیروی درونی بسیار قوی‌ای است که برخلاف آنچه اغلب فکر می‌کنیم، به هیچ وجه به محیط و شرایط محیطی ارتباط ندارد و کاملاً منشا درونی دارد. خودانگیزی یعنی جهت‌دادن و هدایت عواطف و هیجان‌ها به سمت و سوی هدف، خویشتن‌داری و به تأخیرانداختن خواسته‌های نابجا و جایگزینی لذت‌های آتی به جای لذت‌های آنی است.

« انگیزه نیرویی است درونی که برای تغییر شرایط فعلی به عنوان موتور، به ما کمک می‌کند. خودانگیزی یعنی کنترل هیجان‌ها، تأخیر در ارضای خواسته‌ها و توان قرار گرفتن در یک وضعیت روانی مطلوب‌تر. » (فتی و موتابی، ۱۳۸۵: ۷۸)

به‌علاوه، خویشتن‌داری رفتارهایی است که به شما این واقعیت را می‌قبولاند که تنها چیزی که در زندگی می‌توانید آن را کنترل کنید و یا تغییر دهید، خودتان هستید. تمامی حرکات مخرب، عادات ناپسند، مشکلات عقده‌ای و روانی، و رفتارهای غیرقابل قبول و نامعقول را کنترل می‌کند.

«خویشتن‌داری منجر به برقراری اعتدال در زندگی شده و هنگام بروز مشکلات جدید توانایی مقابله با آن‌ها را به شما می‌دهد. » (فتی و موتابی، ۱۳۸۵: ۶۱)

۲-۳-۴. مهارت مدیریت احساسات

شناسایی و کنترل هیجان‌ها و احساس‌ها، ضرورت موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی است. منظور از مدیریت و کنترل احساس‌ها، تسلط بر خویشتن و خویشتن‌داری است، زیرا هر کاری که هر کسی انجام می‌دهد تلاشی است برای نوازش یکی از نیازهایش.

« در فرایند اجتماعی شدن ما به غلط یاد گرفته‌ایم که دگرهدایت‌شده باشیم. اغلب دیگران هدایت احساس‌ها و هیجان‌های ما را به دست می‌گیرند. ما به‌سادگی می‌گوییم او مرا عصبانی می‌کند؛ در واقع ما اختیار احساس خودمان را به او داده‌ایم و در واقع او نبوده که ما را عصبانی کرده بلکه این من بودم که نتوانستم خشم خودم را کنترل کنم. مدیریت احساس مهارتی است

که پس از کسب آن هر فرد علاوه بر شناخت احساس‌ها و هیجان‌های خود، مسئولیت آن‌ها را بر عهده می‌گیرد.» (محمدخانی، ۱۳۸۳: ۴۵)

۳-۴-۳. مقابله با اضطراب (ترس)

در زندگی روزانه هر یک از ما، فشارهای روانی (استرس) مختلفی را تجربه می‌کنیم. استرس، واکنش بدن در برابر شرایط نابجای محیطی است و همیشه یک واکنش منفی نیست. استرس فرصت تلاش و رویارویی با خطر را در زندگی برای ما فراهم می‌کند.

«هر مسئله و رویدادی در زندگی، نوعی استرس به فرد وارد می‌کند. استرس یعنی وارد شدن فشار بر یک فرد، بدون آمادگی قبلی برای پذیرش آن فشار و تلاش برای یافتن راه‌حل مسئله یک نوع مقابله با استرس است.» (امیرحسینی، ۱۳۸۴: ۵۸)

۳-۴-۴. مقابله با خشم (خودآرام‌سازی)

هیجان خشم که یکی از قوی‌ترین هیجان‌های مشترک انسان‌هاست از رذایل اخلاقی محسوب می‌شود که در آموزه‌های دینی نیز به‌شدت از آن نهی شده‌است.

«وَالكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ: آنانکه خشم خود را فروخورند و از مردم گذشت کنند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.» (آل عمران: آیه ۱۳۴).

۳-۴-۵. مهارت تاب‌آوری

تاب‌آوری یعنی در شرایط آسیب‌زا پرورش یافتن، آسیب ندیدن و به رشدی بیش از پیش دست یافتن.

«این مفهوم به فرایند بازگشت فرد به کارکردهایی پس از یک رویداد استرس‌زا، هیجان منفی نیز گفته می‌شود. تاب‌آوری فقط داشتن فهرستی از ویژگی‌ها نیست.» (آقاجانی، ۱۳۸۵: ۶۶)

۴. تحلیل یافته‌ها

معرفی مخزن‌الاسرار: مخزن‌الاسرار، نخستین مثنوی نظامی، منظومه‌ای است حکمی-اخلاقی و تا حدودی عرفانی، مشتمل بر سه بخش؛ بخش نخست، در ستایش خداوند، مناجات، نعت پیامبر، مدح ممدوح و مانند آن؛ بخش دوم در توصیف دل و عوالم و پرورش آن؛ و بخش سوم، شامل بیست مقاله که هر یک در ضمن بیان حکایتی، یک نکته اخلاقی یا حکمی را خاطر نشان می‌کند. این منظومه، حدود سال ۵۷۰ هجری به نام فخرالدین بهرام شاه بن داود (متوفی ۶۲۲) به نظم درآمد و مشتمل بر ۲۰ مقاله در مواعظ و حکم است و ۲۲۶۰ بیت دارد و حاوی اندیشه‌های زاهدانه و عارفانه نظامی است که «در هر مقاله پس از شرح عنوان مقاله، برای تأثیرگذاری بیشتر داستان کوتاه، اما پرمحتوا و دلنشینی روایت شده‌است.» (احمد نژاد، ۱۳۷۵: ۱۷)

۱-۴. مهارت‌های زندگی در مخزن‌الاسرار

چنان‌که پیش‌تر گفته شد مخزن‌الاسرار منظومه‌ای زهدی و تعلیمی است و مقالات بیست‌گانه آن همگی معرف شخصیت زاهدگونه شاعر، سیر و سلوک، صفای دل، پای‌بندی و تعهد وی نسبت به شریعت مقدس است. این منظومه ثمره تأملات و مکاشفات و درون‌بینی‌ها و دل-کاوی‌های نظامی است و آمیزه‌ای است از حکمت و عرفان و طرح و تبیین دقایق عرفان و اخلاق بر پایه تدبر و ژرف‌نگری همراه با استدلال‌های تمثیلی. با توجه به این امر مهم که نظامی هنگام سرودن مخزن‌الاسرار، در ریاضت به سر می‌برده و تهذیب نفس می‌کرده‌است، مهارت دینی و خدانشناسی می‌تواند نقش مهمی در این اثر جاودان داشته باشد.

« نظامی در مخزن‌الاسرار به ریاضت و چله‌نشینی‌های خود اشاره دارد. او در زمان سرودن مخزن‌الاسرار اشتغال به ریاضت بدن و تهذیب نفس و تصفیة باطن داشته‌است. ریاض وی در این ریاضت می‌آید که انسانی وارسته بوده‌است. نشانه‌های آشنایی با حکمت یونانی و فهلوی در جای جای کلامش پیداست، در حدیث نفس و در مخاطبه‌ای که بین دل و نفس خویش برقرار می‌کند پایبندی به قیود و حدود شرع را بر خود الزام نماید و تا حدی مثل دوست و هم‌ولایتی خویش، خاقانی شروانی، مدینه فاضله خویش را دور از دنیای عصر جستجو کند و عصری را که شرع در آن بازیچه اغراض حکام و عمال متشرع اما عاری از روح ایمان است، محکوم می‌نماید.» (زرین کوب، ۱۳۷۴: ۷۰)

نظامی در خلوت اول و پرورش دل، اذعان می‌کند که گنج وجودی انسان دل است و او از عشق خداوند خلق شده و وقتی راهزنان حواس و تن را از خود دور سازد می‌تواند معرفت دل و معرفت وجودی خود را بشناسد.

«نزل تحیت به زبانش رسان / معرفت خویش به جانش رسان»

(دستگردی، ۱۳۹۳: ۱۱)

«دور شو از راهزنان حواس	راه تو دل داند، دل را شناس» (همان: ۴۷)
«دست در آویز به فتراک دل	آب تو باشد که شوی خاک دل» (همان: ۴۹)
«نور ادیمت ز سهیل دل است	صورت و جان هر دو طفیل دل است (همان: ۴۹)
وان که عنان از دو جهان تافته است	قوت ز در یوزه دل یافته است (همان: ۴۷)

نظامی هم به دلایل شخصی که می‌توان آن را همان زهد و ریاضت دوران زندگی اش دانست به مهارت خدانشناسی توجه ویژه دارد. دلیل دیگر توجه او به خدانشناسی، علاقه او به انسان‌هاست. او شاعری است که نعمت‌ها و لذت‌های زندگی را شادمانه دوست دارد و آرزو دارد

که این نعمات و لذا اید، نصیب همه انسان‌ها گردد. به همین دلیل، از انسان‌ها می‌خواهد توبه کنند و توبه را یکی از راه‌های آمرزش و سعادت آدمی می‌داند و به توبه حضرت آدم اشاره می‌کند که او پس از توبه، خلیفه الله روی زمین شد:

«چرک نشاید ز ادیم تو شست تا نکنی توبه آدم نخست

عذر به آن را که خطایی رسید کادم از آن عذر به جایی رسید

چون دلش از توبه لطافت گرفت ملک زمین را به خلافت گرفت

نیکی او بین و بر آن کار کن بر بدی خویشتن اقرار کن» (همان: ۸۰)

نظامی در مخزن الاسرار بسیار تأکید بر خودشناسی و خدا شناسی دارد و شناخت جایگاه والای انسانی که او اشرف مخلوقات است و باید قدر و ارزش خود را بداند و گاهی دعا می‌کند و از خداوند می‌خواهد که به او توفیق معرفت و خودشناسی بدهد.

نظامی در خلوت اول راه رسیدن به شناخت خود و دل را مراقبه و مکاشفه می‌داند که انسان با ریاضت و مراقبه می‌تواند به صفای باطن و دل برسد.

«دل به خدا بر نه و خورسندی اینت جداگانه خداوندی» (همان: ۷۸)

«پرورش آموز درون پروران روز برآرنده روزی خواران» (همان: ۳)

«ای به ازل بوده و نابوده ما وی به ابد زنده و فرسوده ما» (همان: ۱۰)

«از پی تست این همه امید و بیم هم تو ببخشای و ببخش ای کریم» (همان: ۱۱)

«در صفتت گنگ و فرومانده ایم من عرف الله فرو خوانده ایم» (همان: ۱۱)

«جهد بران کن که وفا را شوی خود نپرستی و خدا را شوی

خاک دلی شو که وفایی دروست هر هنری کان ز دل آموختند

وز گل انصاف گیایی دروست «تا ندرد دیو گریبانت، خیز

برزه منسوج وفا دوختند» (همان: ۱۷۴)

«دین که قوی دارد بازوت را دامن دین گیر و در ایمان گریز» (همان: ۱۶۹)

راست کند عدل ترازوت را» (همان: ۱۳۷)

نظامی راه رستگاری و سعادت دنیوی و اخروی را در پیروی از شرع و دین می‌داند و اولین راه

خدا شناسی را در خودشناسی میداند: (مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ)

نظامی در مخزن الاسرار به دین ورزی و ایمان به خدا اشاره می‌کند که راه نجات انسان و

هدایت اوست.

«هرکه یقینش به ارادت کشد خاتم کارش به سعادت کشد
راه یقین جوی ز هر حاصلی نیست مبارکتر از این منزلی
هرکه یقین را به توکل سرشت بر کرم الرزق علی الله نوشت» (همان: ۱۰۴)

در داستان سلیمان و پیر دهقانی، پیر دهقان در زمین شور و بی آب و علفی دانه می‌کارد بدون اسباب و وسایل کشاورزی کشت می‌کند و همه همتش عرق پیشانی اش است و امید به کرم پروردگار دارد تا آن دانه‌ها را برویاند. نظامی در این داستان تلاش و جهد انسان را در سایه توکل به خدا می‌داند.

«با ترو خشک مرا نیست کار دانه ز من، پرورش از کردگار» (همان: ۸۸)
«آن که بشارت به خودم می‌دهد دانه یکی هفتصدم می‌دهد
عاشق خویش تو و صورت پرست زان چو سپهر آینه داری به دست
آن که تو را توشه ره می‌دهد از تو یکی خواهد و ده می‌دهد» (همان: ۸۷)

در مقاله اول نظامی داستان پادشاه نومید و آمرزش یافتن او را بیان می‌کند، فردی در خواب، پادشاه ظالمی دید و از او سوال کرد چگونه از مظالم‌رهایی یافتی؟

«دادگری دید به رای صواب صورت بیدادگری را به خواب
گفت خدا با تو ظالم چه کرد در شبت از روز مظالم چه کرد؟» (همان: ۷۵)

و پادشاه ظالم پاسخ داد که من با رویی خجل و ناامید، تکیه بر آمرزش حق کردم و شرمسار از کارهای بدی که انجام داده بودم از خداوند طلب آمرزش و توبه کردم.

«لرزه درافتاد به من برچو بید روی خجل گشته و دل ناامید
طرح به غرقاب در انداختم تکیه به آمرزش حق ساختم
کای من مسکین به تو در شرمسار از خجلان در گذر و در گذار
گر چه زفرمان تو بگذشته ام رد مکنم کز همه رد گشته ام» (همان: ۴۱)

نظامی توبه و اقرار به گناهان و بدی را یکی از راه‌های شناخت خود می‌داند و خودشناسی را راهی به سوی خداشناسی می‌پندارد و توبه را راه تصفیه دل بیان می‌کند.

«آینه دار از پی آن شد سحر
«عاقبتی هست، بیا پیش از آن
«طاعت کن روی بتاب از گناه
حاصل دنیا چو یکی ساعت است
تا تو رخ خویش ببینی مگر» (همان: ۷۷)
کرده خود بین و بیندیش از آن» (همان: ۷۹)
تا نشنوی چون خجلان عذرخواه
طاعت کن کز همه به طاعت است» (همان:
۸۳)

نظامی راه دیگر خودشناسی را پس از توبه از گناهان، طاعات و عبادات خداوند می داند و بی اعتباری و موقتی بودن دنیا و تسلیم قضا و قدر خداوند بودن را شرط مهم، خودشناسی می داند.

«غافل منشین ورقی می خراش
«بگذر از این مرغ طبیعت خراش
«آینه جهد فرا پیش دار
عذر خود دار و قبول از خدای
تا شوی از جمله عالم عزیز
گر ننویسی قلمی می تراش» (همان، ۸۵)
بر سر این مرغ چو سیمرغ باش» (همان، ۹۹)
در نگر و پاس خویش دار
جمله ز تسلیم قدر در میای» (همان، ۱۲۰)
جهد توی باید و توفیق نیز» (همان، ۱۰۵)

نظامی تأکید فراوانی بر موقتی بودن و بی وفایی دنیا دارد. او معتقد است که آدمی باید در راه شناخت خود و خدا، بی اعتبار بودن این دنیا را درک کند، او در داستان موبد صاحب نظر، این نکته را به زیبایی نشان می دهد. روزی موبد صاحب نظری از باغ و بوستانی می گذرد و محو تماشای زیبایی های باغ می شود. چندی بعد دوباره از آن جا می گذرد آن باغ بهشت آسا را ویرانه ای می بیند که زاغ و زغن در آن لانه کرده اند. او به بی وفایی و موقتی بودن دنیا و زیبایی های آن اقرار می کند:

«پیر در آن تیز روان بنگریست
گفت به هنگام نمایندگی
هر چه سر از خاکی و آبی کشد
ای که مسلمانی و گبریت نیست
کمتر از آن موبد هندو مباش
ترک جهان گوی و جهان، گو مباش» (همان: ۱۳۱)

بر همه خندید و به خود بر گریست
هیچ ندارد سر پایدگی
عاقبتش سر به خرابی کشد
چشمه ای و قطره ای ابریت نیست

یکی دیگر از موارد خدانشناسی را نظامی به نکوهش دنیا، به غفلت گذراندن و غافل بودن از فردای قیامت و عاقبت انسان مطرح می‌کند که آدمی در این دنیا روزگار به غفلت و بطالت سپری می‌کند و به عاقبت خود نمی‌اندیشد

«صحبت گیتی که تمنا کند؟
 خاک شد آن کس که برین خاک زیست
 با که وفا کرد که با ما کند
 عمر به بازیچه به سر می‌بری
 خاک چه داند که درین خاک چیست؟
 روز قیامت که برات آورند
 بازی از اندازه به در می‌بری
 بادیه را در عرصات آورند» (همان: ۸۶)

نظامی در مخزن الاسرار به انسان توجه ویژه دارد و از او می‌خواهد که به عاقبت اعمال و کردار خود بنگرد که باید در روز قیامت پاسخ‌گویی باشد.

«عاقبتی هست بیا پیش از آن
 روز قیامت که بود داوری
 کرده خود بین و بیندیش از آن
 شرم ندارد که چه عذر آوری
 روی به دین کن که قوی پشتی است
 پشت به خورشید که زردشتی است
 مال کسان چند ستانم به زور
 غافلیم از مردن و فردای گور
 روز قیامت نه من این ترک‌تاز
 باز بپرسید و بپرسند باز» (همان: ۸۱)

جالب است که مخاطب نظامی فرد خاصی نیست. او از امیر، شاه و مردم عادی می‌خواهد که به سعادت خود بیندیشند و تأکید فراوان در پیروی از دین و شریعت اسلام دارد و آن را تنها راه سعادت آدمی در دنیا و آخرمی‌داند:

«تا ندرد دیو گریبان، خیز
 دامن دین گیر و در ایمان گریز
 شرع تو را خواند سماعش بکن
 طبع تو را نیست وداعش بکن
 شرع نسیمی ست به جانس سپار
 طبع غباری، به جهانش گذار
 شرع تو را ساخته ریحان به دست
 طبع پرستی مکن، او را پرست» (همان: ۱۶۹)

دوری از دربارها، دید هنری نظامی را به مردم نزدیک‌تر و او را از آوردن مضامین تکراری و کلیشه‌ای بی‌نیاز کرده‌است و وی را بر آن داشته تا در هنر خود از مسائل حکمی، اخلاقی و اجتماعی سخن بگوید. علاوه بر آن «وی هیچ‌گاه در مدح مبالغه ننمود و برای جلب نظر حکمرانان، شعر نساخت، او به‌خصوص در اواخر عمر گوشه‌گیر و آزاده زیست ... وی با اصول عرفان آشنا بود و عملاً نیز به زهد و تصوف می‌پرداخت و پادشاهان نیز رعایت مقام او را می‌کردند و در حضور وی از می و مطرب پرهیز می‌کردند.» (احمد نژاد، ۱۳۷۵: ۴۴)

نظامی وقتی عصر خویش را بحران زده از حوادث ناگوار، ظلم و ستم بر مردم می‌بیند به انسان‌ها یادآوری می‌کند که اگر خود را بشناسند دست از ظلم و ستم بر می‌دارند و عاقبت خود را نیک کنند. او یکی از مهارت‌های خودشناسی را دیدن عیب خود، و دیده بستن بر عیب دیگران می‌داند:

«آئینه روزی که بگیری به دست
«عیب نویسی مکن آئینه وار
(۱۲۶)

یا به در افکن هنر از عیب خویش
تا نشنوی از نفسی عیب دار
دیده ز عیب دگران کن فراز
یا بشکن آئینه عیب خویش
«در همه چیزی هنر و عیب هست
صورت خود بین و درو عیب ساز» (همان:
(۱۲۵)

عیب مبین تا هنر آری به دست» (همان:
(۱۲۵)

نظامی برای بیان مقصود خود همچون مولانا و سعدی و بسیاری از شاعران ایران زمین از شیوه داستان استفاده می‌کند. او تأکید می‌کند که عیب خود را اول ببین و خود را بشناس آن گاه به عیب دیگران توجه نمی‌کنی. او داستان حضرت عیسی و لاشه سگ مرده را بیان می‌کند که حضرت عیسی به جای لاشه بدبو و متعفن، زیبایی دندان‌های سگ را مشاهده کرد.

«عیب کسان منگر و احسان خویش
دیده فرو کن به گریبان خویش»
(همان: ۱۲۶)

«سایه پرستی چه کسی همچو باغ؟
سایه شکن باش چو نور چراغ
گر تو ز خود سایه توانی برید
عیب تو چون سایه شود ناپدید» (همان: ۱۴۵)

و اگر سایه ظلمت و تیرگی را از خود دور کنی از تمام عیب‌ها میرا می‌شوی، نظامی در مقاله نکوهش غفلت بسیار متذکر می‌شود که خود را بشناس و از غفلت به درآی.

«آئینه چون نقش تو بنمود راست
خودشکن آئینه شکفتن خطاست»
(همان: ۱۴۷)

«گرم شو و از مهر و ز کین سرد باش
چون مه و خورشید جوانمرد باش» (همان: ۸۳)
«هرکه به نیکی عمل آغاز کرد
نیکی او روی بدو باز کرد» (همان: ۸۳)

در مقاله دوم نظامی اشاره به ارزش وجودی انسان و گنج و گوهر وجودی او می‌کند. او معتقد است که آدمی باید تلاش کند تا آن گوهر وجودی خویش را بیابد و ارزش وجود انسان از همه هستی و موجودات برتر است و همه موجودات در خدمت انسان هستند.

«ای ملک جانوران رای تو وی گوهر تاجوران پای تو
گر ملکی خانه شاهی طلب ور گوهری تاج الهی طلب
زان سوی عالم که دگر راه نیست جز من و تو هیچ کس آگاه نیست
زان ازلی نور که پرورده اند در تو زیادت نظری کرده اند
نقد غریبی و جهان شهر تست نقد جهان یک به یک از بهر تست
دور تو از دایره بیرون تر است از دو جهان قدر تو افزون تر است» (همان: ۷۷)

در مقاله پنجم نظامی در وصف پیری سخن می‌راند و در مورد گذر عمر و پیری و عاقبت فردا و انجام کارها را تذکر می‌دهد و یکی از راه‌های خودشناسی را در آگاهی از گذر عمر و جوانی می‌داند. اما باد خزان پیری آمد و آنها را برد.

«بگذر از این پی که جهانگیری است حکم جوانی مکن این پیری است
پیر دو مویی که شب و روز تست روز جوانی ادب آموز تست
کز تو جوانتر به جهان چند بود خود نشود پیر درین بند بود
پره گل باد خزانیش برد آمد پیری و جوانیش برد
رفت جوانی و به تغافل به سر جای دریغ است دریغی بخور
فارغی از قدر جوانی که چیست تا نشدی پیر ندانی که چیست» (همان: ۹۴)

نظامی بر شناخت اصل و گوهر خویش بسیار تأکید می‌کند. او معتقد است که تا اصل و گوهر خویش را نشناسی و قدر گوهر وجودی خود راندانی اسرار را به دیگران بازگو مکن.
«گر پیری از دانش، خاموش باش ترک زبان گوی و همه گوی باش»

(همان، ۱۷۷)

در زمانه ای که راستی و درستی جای خود را به نیرنگ داده‌است، نظامی فریاد راستی می‌زند و انسان را به خودشناسی دعوت می‌کند:

«زآتش تنها نه، که از گرم و سرد راستی مرد بود درع مرد» (همان: ۱۴۶)

نظامی در مخزن الاسرار تمامی مهارت های خودشناسی را به ما می آموزد با شناختن گوهر وجودی خود و صفای باطن و دل، با ریاضت و مراقبه و خدانشناسی، تلاش و کوشش کردن در راه خودشناسی و چون آبی را که نماندن و همانند آینه عیب جویی نکردن و عیب خود را ابتدا دیدن و اصلاح کردن راه راستی و درستی و خاموشی اختیار کردن و رعایت اعتدال در هر چیزی را در مسیر خودشناسی می داند.

نظامی بر عقل‌گرایی توجه ویژه دارد و به این طریق بر مهارت تفکر نقادانه تأکید می‌کند. از انسان‌ها می‌خواهد که در هر کاری پیش از آغاز آن عاقبت کار را بسنجند و از عقل خویش یاری جویند:

«گر شرف عقل نبودی تو را
عقل مسیحاست ازو سرمکش
یا به ره عقل برو نور گیر
یا ز درش دامن خود دور گیر» (همان: ۱۴۳)
«چون تک اندیشه به گرمی رسید
تندرو چرخ به نرمی رسید» (همان: ۴۴)
«در همه کاری که گرایی نخست
رخنه بیرون شدنش کن درست
شرط بود دیده به ره داشتن
خویشتن از چاه نگه داشتن
تا نکنی جای قدم استوار
پای منه در طلب هیچ کار» (همان: ۱۳۳)

در کل مخزن الاسرار به دو مورد از مهارت حل مساله برخورد کردیم و آن هم در خلال دو داستان، در داستان حکیم متنازع که هر دو حکیم در یک خانه زندگی می کردند و هر کدام ادعا می کند او برتر از دیگری است پس تصمیم می گیرند که هر دو چاره ای سازند تا دیگری از بین رود و او مالک خانه شود. وی در داستان حکیم متنازع از مهارت حل مسأله، از درایت و تدبیر سخن می‌راند.

هر دو حکیم در یک خانه زندگی می‌کنند و هر کدام ادعا می‌کند او برتر از دیگری است پس تصمیم می‌گیرند که چاره ای سازند تا دیگری از بین رود تا خود مالک خانه شوند، حکیم اولی

شربت‌تی می‌سازد اما حکیم باهوش پادزهر آن شربت را می‌سازد و آسیبی به او نمی‌رسد و بر زهر فایق می‌آید. اما حکیم دیگر وردی بر گلی می‌خواند و به دست حکیم مدعی می‌دهد و آن مرد از ترس آسیب آن گل، قالب تهی می‌کند و می‌میرد. در واقع نظامی به ما هشدار می‌دهد که هر کس دل قوی دارد و با اعتماد به نفس زندگی کند، زهر هلاهل هم در او اثر نمی‌کند. اما آن که مردد و پریشان دل است هر لحظه در معرض خطر است.

«خشم نخستین قدری زهر ساخت کز عفنی سنگ سیه را گداخت

داد بدو کاین می‌جان پروراست زهر مدانش که به از شکر است

شربت او را ستد آن شیرمرد زهر به یاد شکر آن بخورد

نوش گیا پخت و بدو در نشست رهگذر زهر به تریاک بست

دشمن از آن گل که فسونخوان بداد ترس برو چیره شد و جان بداد

آن به علاج از تن خود زهر برد وین به یکی گل ز توهم بمرد» (همان: ۱۳۶)

در داستان کودک مجروح هم، عده‌ای کودکان در کوی بازی می‌کردند که ناگهان یکی از آنان می‌افتد و مهره پشتش می‌شکند و در جا می‌میرد، دوستان و همبازیان کودک تصمیم می‌گیرند او را درون چاهی بیاندازند تا از نهمت کشتن او برهند اما یکی از کودکان که به دشمنی با کودک متوفی مشهور بوده فکر می‌کند و می‌گوید اگر او را درون چاه بیاندازند همه به او مشکوک می‌شوند زیرا او تنها بدخواه و دشمن کودک بوده، پس تصمیم می‌گیرد برای این مشکل پدر کودک متوفی را خبردار کنند تا او هم از اتهام بری شود و آن پسر با عقل و خرد خود توانست این مشکل را بهترین نحو حل نماید.

«هر که درو جوهر دانایی است بر همه چیزیش توانایی است
بند فلک را که تواند گشاد آن که برو پای تواند نهاد» (همان: ۱۵۶)

در واقع نظامی معتقد است بندها و مشکلات این دنیا را تنها با اندیشه و تدبیر می‌توان گشود و بر همه بندها فایق آمد.

نظامی در مورد مهارت خویشتن داری و خودانگیزی چندین مورد را ذکر کرده‌است و تعادل و ریاضت کشیدن و از حد و مرز هر چیزی خارج نشدن را درمان این امر می‌داند. «در زندگی شخصی نیز نظامی به زهد و تقوی میل داشته و خویشتن‌دار و برکنار از لهو و لعب و می‌نوشی بوده و گفتار و کردار او با یکدیگر هماهنگی داشته و این نیز به یک دستی و سازگاری محتوای آثار او کمک کرده‌است.» (احمدنژاد، ۱۳۷۵: ۱۴)

«قدر دل و پایه جان یافتن
سیم طبایع به ریاضت سپار
تا ز ریاضت به مقامی رسی
جز به ریاضت نتوان یافتن
زر طبیعت به ریاضت برآر
کت به کسی درکشد این ناکسی» (همان: ۱۰۷)

نظامی ارزش وجود انسان را بسیار بالاتر از آن می‌داند که در بند شکم باشد.
«تا شکمی نان و دمی آب هست کفچه مکن بر سر هر کاسه دست» (همان: ۹۶)

نظامی در مورد مهارت خویشتن داری و خودانگیزی چندین مورد را ذکر کرده است و تنها راه را تعادل و ریاضت کشیدن و از حد و مرز هر چیزی خارج نشدن می‌داند.

قدر	دل	و	پایه	جان	یافتن	جز	به	ریاضت	نتوان	یافتن
سیم	طبایع	به	ریاضت	سپار	زر	طبیعت	به	ریاضت	برآر	
تا	ز	ریاضت	به	مقامی	رسی	کت	به	کسی	درکشد	این ناکسی
گر	شتری	رقص	کن	اندر	رحیل	ورنه	میفگن	دبه	در پای	پیل» (همان: ۱۰۷)

یکی دیگر از مهارت های خویشتن داری را در پیروی نکردن شیطان و نفس اماره بیان می‌کند و راه حل آن را پیروی از اصول دین و عقل می‌داند و راه رستگاری و رهایی از دیو نفس:

«پیک دلی، پیرو شیطان مباش شیر امیری، سگ دربان مباش» (همان: ۷۲)
«دین چو به دنیا بتوانی خرید کن مکن دیو نباید شنید» (همان: ۷۸)
«بر صفت شمع سرافکنده باش روز فرو مرده و شب زنده باش» (همان: ۴۶)

مورد دیگر خویشتن داری در زبان و سخن گفتن است. نظامی تاکید فراوانی در سکوت کردن و سخن بیهوده نگفتن دارد. حفظ اسرار و راز داری هم از موارد کنترل زبان است:

«چون سخنت شهد شد ارزان مکن شهد سخن را مگس افشان مکن» (همان: ۴۳)
«چشم حکمت که سخن دانی است اب شده زین دو سه یک نانی است»
«تا ندهندت مستان، گر وفاست (همان: ۴۱)
تا بنوشند مگو، گر دعاست» (همان: ۴۳)

تا زمانی که گوش به سخنان تو نمی‌دهند حرف نزن حتی اگر دعا کردن در حق دیگران باشد. خویشتن داری از حرص و ربا را بیان می‌کند و راه حل آن را قناعت و رضا و تسلیم می‌داند :

«هر کمری کان به رضا بسته شد از کمر خدمت تن رسته شد
حرص رباخواره به محرومی است تاج رضا بر سر محکومی است» (همان: ۱۵۶)

نظامی در مورد خویشتن داری در نگه داری راز هم ابیاتی را بیان می کند که حائز اهمیت است. همانند آینه باش و هرچه دیدی رازنگه دار باش و چشمانت را ببند.

«لب مگشای ار چه درو نوشهاست کز پس دیوار بسی گوش هاست» (همان
«آب صفت هرچه شنیدی بشوی (۱۶۶:

«تا چو بنفش نفست نشنوند آینه سان آنچه بینی مگوی» (همان: ۱۶۶)
بد مشنو وقت گران گوشه است هم به زبان تو سرت ندروند
زشت مگو نوبت خاموشی است» (همان: ۱۶۶)

نظامی در داستان جمشید و خاصگی داستان جوانی را بیان می کند که محرم و رازدار و خزانه دار جمشید بود و اینچنین تأکید بر رازداری دارد:

«مرد فرو بسته زبان خوش بود آن سگ دیوانه زبانه کش بود
مصلحت تست زبان زیرکام تیغ پسندیده بود در نیام
راحت این پند به جهان ها در است که آفت سرها به زبانها در است
دل درین طشت زبان را نگاه تا سرت از طشت نگوید که آه» (۱۶۵)

نظامی تأکید بر کنترل غم و اندوه و ناراحتی می کند و دنیا را بی اعتباری و زود گذر می داند و آن را جایی برای غم و غصه باقی نمی داند. او دنیا را محل شادی و نشاط می داند و نصیحت می کند که هیچ مرد آزاداندیشی هرگز غم دنیا و مشکلاتش را نخورد و راه حل را در تحمل سختی ها و خویشتن داری و کنترل احساسات می داند.

قطره ای از خون دل آدمیست	«هر گل رنگین که باغ زمیست
خانه غم دان که نگارش تویی» (همان:۱۳۶)	باغ زمانه که بهارش تویی
در غم دنیا غم دنیا نخورد» (همان:۷۳)	«هیچ هنرپیشه آزاد مرد
هرچه عنا بیش، عنایت قرون	«با رعنا کش به شب تیرگون
بیشتر از راه عنایی رسید	ز اهل وفا هرکه به جایی رسید
وانچه ترا عافیت آید بلاست	نزل بلا عاقبت انبیاست
تلخی می مایه شیرینی است» (همان:۱۰۱)	زخم بلا مرهم خوبینی است

نظامی در مهارت های اجتماعی و ارتباط با دیگران ابتدا مساله دوستی و هم نشینی را بیان می کند و تأکید می کند بر تأثیر هم نشین و خوب و بد بر انسان، و قوه تشخیصی که خداوند در درون انسان قرار داده است به او می گوید دوست واقعی کیست.

«خار که هم صحبتی گل کند	غالیه در دامن سنبل کند» (همان:۸۵)
«هرکه کند صحبت نیک اختیار	آید روزیش ضرورت به کار» (همان:۸۶)
«یار مساعد به گه ناخوشی	دام کشی کرد، نه دامن کشی» (همان: ۱۶۰)
«صحبت نیکان زجهان دور گشت	خوان عسل خانه زنبور گشت
دورنگر کز سر نامردمی	برحذر است آدمی از آدمی
سایه کس فرهمایی نداشت	صحبت کس بوی وفایی نداشت» (همان:۸۶)

نظامی متذکر می شود در مقابل این دورویان مراقب رفتار و گفتارت باش و راز دلت را فاش نکن:

«چون شکم از روی بکن پشتشان	حرف ننگه دار زانگشتشان
پیش تواز نور موافق ترند	وز پست از سایه منافق ترند
صحبتشان بر محک دل مزین	مست نه ای، پای درین گل مزین
خازن کوهند مگو رازشان	غمز نخواهی مده آوازشان» (همان:۱۶۲)

در مورد ارتباط با دیگران و ارتباط فردی و اجتماعی، داستان رابعه را بیان می کند که در حق سگی لطف و مهربانی کرد و به مقام اولیا رسید و کمک و خدمت به مردم صفت آدمیت است.

«رابعه با رابع آن هفت مرد گیسوی خود را بنگرد تا چه کرد» (همان: ۸۹)
 «صورت خدمت صفت مردمیست خدمت کردن شرف آدمیت» (همان: ۱۱۰)
 «نیست بر مردم صاحب نظر خدمتی از عهد پسندیده تر هر که زمام هنری می کشد در ره خدمت کمری می کشد» (همان: ۱۱۰)
 «شهر و سپه را چو شوی نیک خواه نیک تو خواهد همه شهر و سپاه» (همان: ۷۹)

نیک خواهی مردم باعث می شود همه مردم ارتباط خوبی با تو داشته باشند و خیرخواه تو شوند.

«عمر به خشنودی دلها گذار تا ز تو خشنود بود کردگار سایه خورشید سواران طلب رنج خود و راحت یاران طلب» (همان: ۸۲)

در مقاله چهارم نظامی رعایت حال رعیت را مطرح می کند و داستان پیرزنی را گزارش می دهد که برای تظلم خواهی نزد سلطان سنجر می رود و از ستم شحنه ای شکایت می کند که نیمه شب او را از خانه اش بیرون رانده است. او با ذکر این داستان، توصیه به عدل و دادگری می کند تا آه مظلومی از ظلم تو به آسمان بالا نرود که سعادت این جهان و آن جهانت از دست می رود:

«عدل تو قنديل شب افروز تست مونس فردای تو امروز تست پیرزنان را به سخن شاد دار وین سخن از پیرزنی یاددار دست بدار از سر بیچارگان تا نخوری یاسج غم خوارگان» (همان: ۹۲)
 «توسنی طبع چو رامت شود سکه اخلاص به نامت شود» (همان: ۱۰۷)

در داستان بالا، نظامی مخاطب خود را به طور خاص، شاهان و امیران قرار می دهد و سعادت دنیوی و اخروی آن ها را در عدل و دادگری می داند.

نظامی در ضرورت کنترل غم و اندوه نصیحت می کند که بی اعتباری دنیا و زودگذر بودن آن جایی برای غم و غصه باقی نمی گذارد، دنیا را محل شادی و نشاط می داند و هیچ مرد آزاداندیشی هرگز غم دنیا و مشکلاتش را نمی خورد و راه حل را در تحمل سختی ها و خویشتن داری و کنترل احساسات می داند:

«هر گل رنگین که باغ زمیست قطره ای از خون دل آدمیست باغ زمانه که بهارش تویی خانه غم دان که نگارش تویی» (همان: ۱۳۶)

«هیچ هنرپیشه آزاد مرد در غم دنیا غم دنیا نخورد» (همان: ۷۳)

نظامی دیدگاهی عرفانی در باب شادی و غم دنیایی دارد. در نظر او، این جهان گذران آن قدر زودگذر است که ارزش غم خوردن را ندارد و این غم، همان عشق است که باعث شکوفایی و رشد فرد می‌شود:

«شاد بر آنم که درین دیر تنگ شادی و غم هر دو ندارد درنگ

این همه میری و همه بندگی هست درین قالب گردندگی

انجم و افلاک به گشتن درند راحت و محنت به گذشتن درند

شاددلیم زان که دل من غمیست کامدن غم سبب خرمیست

عهد چنان شد که در این تنگنای تنگدل آیی و شوی باز جای» (همان: ۱۳۴)

«چون خم گردون به جهان درمیپیچ آنچه نه آن تو، به آن درمیپیچ» (همان: ۱۵۶)

نظامی بارها در مخزن الاسرار شاهان و امیران را مورد خطاب قرار می‌دهد و نفرت خود را از فرمان‌روایان خودکامه ابراز می‌کند.

چنان‌که می‌دانیم نظامی در قلمرو سلجوقیان و امرا و دست‌نشانندگان آنان پرورده شده‌است. سلجوقیان در مسائل نژادی، تعصبی از خود نشان نمی‌دادند و از سیاست عمومی دین اسلام که مبتنی بر تساوی و عدم امتیاز بین نژادها و انساب مسلمین است، پیروی می‌کردند. شعر نظامی به نوعی بازتاب اوضاع نابه‌سامان سیاسی و اجتماعی روزگار خویش است، زیرا او به عنوان شهروندی بیدار و مسئول، نسبت به جریان‌های سیاسی و اجتماعی عصر خویش، واکنش نشان می‌دهد و در این جهت گاهی شجاعانه و با بیانی صریح، نفرت و بیزارگی خویش را از فرمان‌روایان خودکامه و عشرت‌طلب و عالم‌نمایان درباری ابراز می‌کند و از پیامبر(ص) می‌خواهد که مسند حکومت را از دست حاکمان نالایق خارج کند و منبر وعظ را از آلودگی عالم نمایان پاک سازد:

«ملک برآرای و جهان تازه کن هر دو جهان را پر از آوازه کن

سگه، تو زن تا امرا کم زنند خطبه تو کن تا خطبا دم زنند

خاک تو بویی به ولایت سپرد باد نفاق آمد و آن بوی برد

بازکش این مسند از آسودگان غسل ده این منبر از آلودگان

خانه غول اند بپردازشان در غله‌دان عدم اندازشان

کم کن اجری که زیادت خورند خاص کن اقطاع که غارتگرند

از طرفی رخنه دین می‌کنند وز دگر اطراف کمین می‌کنند» (همان: ۲۵)

گاهی نیز با بیان داستان‌های تمثیلی مانند داستان سلطان سنجر، از شیوه ظالمانه حکومتی انتقاد می‌کند و شکوه‌ها و گلایه‌هایش را از بیداد حاکمان عصر از زبان پیرزنی بیان می‌دارد و

هشدار می‌دهد که ظلم و ستم، حاصلی جز ریختن آبروی رعیت و تباهی عدالت پادشاهی در بر نخواهد داشت و هم نوا با پیرزن از سیاه کاری‌ها و ستم‌های دوارن، شکوه می‌کند:

«دولت ترکان که بلندی گرفت مملکت از داد پسندی گرفت
داوری و داد نمی‌بینمت وز ستم آزاد نمی‌بینمت
از ملکان قوت و یاری رسد از تو به ما بین که چه خواری رسد
چون که تو بیدادگری پروری ترک نه ای، هندوی غارتگری» (همان: ۹۱)

او در داستان انوشیروان با وزیر خود، به طعنه از زبان مرغانی که بر سر شیربها مشاجره می‌کنند، چنین می‌گوید:

«دختری این مرغ بدان مرغ داد شیربها خواست از او بامداد
کاین ده ویران بگذاری به ما نیز چنین چند سپاری به ما
گر ملک این‌است نه بس روزگار زین ده ویران دهمت صد هزار» (همان: ۸۰)

زیرا باور دارد از زشتی وجود چنین پادشاهی، به‌زودی هزاران ده آباد، ویران خواهد شد. از آن جا که هنرمند، فرزند محیط اجتماعی عصر خویش است، شعر نظامی نیز وضع اقتصادی و اجتماعی محیط را منعکس می‌کند. «وی عواطف جمعی عصر خود را در گوشه انزوای خویش، تحلیل و ترنم کرده‌است و این انزوا- که او پیوسته از آن سخن می‌گوید- انزوای جهان هنر است و پرهیز از دربارها؛ وگرنه او با مردم معمولی، پیوندی بیش از شاعران دیگر آن عصر داشته‌است و آثار او بر این امر گواهی است صادق. انزوای هنری او را می‌توان به کار کسی همانند کرد که پس از دیدن صحنه ای پرآشوب، از آن فاصله می‌گیرد تا در غوغای معرکه گم نشود و آن را دقیق تر تماشا و تصویر کند.» (احمد نژاد، ۱۳۷۵: ۶)

شاید این دیدگاه نظامی، انعکاسی است از فضای سیاسی ناخوشایندی که بر دوران او حکم-فرماست و شاید در سر دارد که از شعرش آینه ای بسازد در مقابل حاکمان و بدین ترتیب به طور غیرمستقیم به آنان درس اخلاق و انسانیت بیاموزد؛ ولی به هر تقدیر، آرمان‌های والایی چون عدالت خواهی و عدالت‌گستری، بخشش و دهش، راستی و درستی در جوامعی که او ترسیم می‌کند، حرف نخست را می‌زند. «عصر نظامی، عصر کوردلی، تنگ‌نظری، تعصب‌ها و سخت‌گیری‌های مذهبی، سقوط ارزش‌های انسانی و اخلاقی و ضد خردگرایی است. در کنار این همه ضد معنویت، فشارهای اقتصادی، جنگ‌های خانگی، ستم شاهان، تجاوزهای مأموران

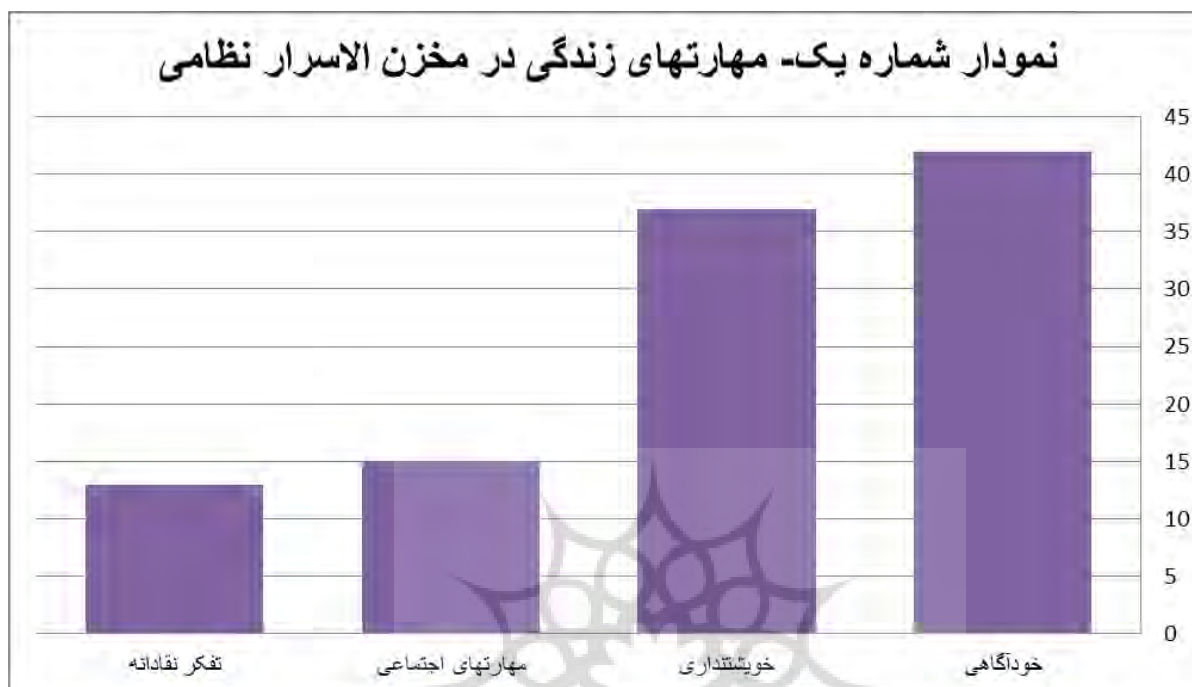
حکومتی و رؤسای ایل‌ها و طایفه‌ها بر مردم محروم، زلزله و قحطی، اجتماعی را می‌سازد که حتی فریاد شاعران مدیحه سرا را نیز به آسمان می‌رساند.» (ثروت، ۱۳۷۰: ۲۳)

نتیجه

حاصل این پژوهش، آن است که نظامی در زمان نظم مخزن‌الاسرار، در حال تهذیب نفس و ریاضت بوده‌است و به همین دلیل، تمایلات خویشتن‌داری و خودآگاهی را در وجود خود پرورش داده‌است. از طرفی او از دربار به دور بوده‌است و به مردم عادی نزدیک‌تر؛ در نتیجه، مخاطب او می‌تواند انسان، در هر دوره‌ای از تاریخ باشد. نکته دیگر این که نظامی به دلایل شخصی و اجتماعی به مهارت‌های زندگی اشاره دارد. زهد و تقوایی که در این دوران در خود پرورش می‌دهد و تا آخر عمر آن را نگه می‌دارد او را بر این می‌دارد که انسان‌ها را به خداشناسی، خویشتن‌داری، خودآگاهی و تفکر نقادانه دعوت کند. همچنین، نظامی به عنوان شهروندی بیدار و مسئول، نسبت به حوادث سیاسی و اجتماعی عصر خویش، واکنش نشان می‌دهد و در این راستا گاهی شجاعانه و با بیانی صریح، نفرت و بیزاری خود را از فرمان‌روایان خودکامه و عشرت طلب و عالم نمایان درباری ابراز می‌کند؛ او گاهی شاهان و امیران را مخاطب خاص، خود قرار می‌دهد و آن‌ها را از ظلم و ستم بر حذر می‌داد. اما باز هم، مهارت‌های اجتماعی بعد از مهارت‌های خودآگاهی و خویشتن‌داری و در درجه بعدی قرار دارد و تفکر نقادانه جایگاه آخر را در آثار او دارا است.

جدول شماره ۱: مهارت‌های زندگی در مخزن‌الاسرار نظامی

نوع مهارت	تعداد
خودآگاهی	۴۲
خویشتن‌داری	۳۷
مهارت‌های اجتماعی	۱۵
تفکر نقادانه	۱۳
جمع	۱۰۷



منابع:

کتاب

۱-قرآن کریم

۲-آقاجانی، مریم، تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و منبع کنترل نوجوانان، ۱۳۸۵، جلد ۱ و ۲، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی

۳- آقازاده، محرم، قاسم زاده، فاطمه، هاشمیان، کیانوش، راهنمای آموزش مهارت‌های زندگی برای نوجوانان و زنان، چاپ اول، ۱۳۸۳، تهران، دفتر پژوهش‌های معاونت آموزش سازمان نهضت سوادآموزی

۴-احمد نژاد، کامل، ۱۳۷۵، تحلیل آثار نظامی گنجوی، چاپ دوم، مؤسسه ی انتشاراتی پایا.

۵-الیاس بن یوسف؛ نظامی گنجوی، ۱۳۹۳، مخزن الاسرار، تصحیح و توشیح و جیدی دستگردی، حسن، چاپ دوم، انتشارات علمی.

۶-امیرحسینی، خسرو، مخاطب، محمد، مهارت‌های اساسی زندگی اجتماعی و اخلاقی، ۱۳۸۴، چاپ اول، تهران، انتشارات عارف کامل

۷-ترور، جی پاول، سیمون، جی اترات، فشار روانی و راه‌های مقابله با آن، ترجمه عباس بخشی پور، ۱۳۷۱، مشهد، انتشارات استان قدس رضوی

۸-ثروتیان؛ بهروز، ۱۳۷۰، اندیشه‌های نظامی گنجه ای، چاپ اول، تهران

- ۹- دهستانی، منصور، مهارت‌های زندگی، ۱۳۸۴، جلد ۱، چاپ سوم، تهران، نشر میم
- ۱۰- دهستانی، منصور، مهارت‌های زندگی، ۱۳۹۰، جلد ۲، چاپ دوم، تهران، نشر جیحون
- ۱۱- سازمان بهداشت جهانی، برنامه آموزش مهارت‌های زندگی، ۱۳۷۳، نوری قاسم آبادی، ربابه محمدخانی، پروانه، تهران، واحد بهداشت روان و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور
- ۱۲- طارمیان، فرهاد، ماهجویی، ماهیار، فتحی، طاهر، مهارت‌های زندگی "ویژه واحد راهنمایی و مشاوره تربیتی" واحدهای پرورشی دوره متوسطه، ۱۳۸۴، چاپ اول، نشر فروزش
- ۱۳- غیاث فخری، عاطفه، مهارت‌های زندگی، ۱۳۸۹، جلد ۱ و ۲ و ۳، چاپ اول، معاونت اجتماعی شورای برنامه‌ریزی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، تهران، نشر هنر آبی
- ۱۴- فتی، لادن، موتابی، فرشته، راهنمای آموزش مهارت‌های زندگی ویژه دانشجویان، ۱۳۸۵، جلد ۳ و ۴ و ۵ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۱، چاپ اول، تهران، نشر دانژه
- ۱۵- محمدخانی، شهرام، مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری (ویژه دانش آموزان، معلمان و والدین)، ۱۳۸۳، چاپ اول، تهران، نشر طلوع دانش
- ۱۶- محمدخانی، شهرام و موتابی، فرشته، آشنایی با مهارت‌های زندگی و روش‌های آموزش آن (ویژه معلمان، والدین و مدرسان)، ۱۳۸۳، دفتر برنامه‌ریزی امور فرهنگی و مشاوره وزارت آموزش و پرورش و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور